

تالار قندریز

تجربه‌ای در عرضه اجتماعی هنر

به کوشش

رویین پاکباز و حسن موریزی‌نژاد

فهرست

- ۹ یادداشتی از ویراستار
- ۱۱ مقدمه
- ۲۳ «تالار» از آغاز تا پایان نوشتهٔ حسن موریزی
- ۷۵ «تالار»: نمود یک آرمان (گفتگوی پاکباز، جودت، مسلمیان، موریزی)
- ۱۱۱ پیوست‌ها: فهرست کارنماهای تالار (۱۳۵۷ - ۱۳۴۳)
- ۱۲۰ گزیدهٔ بوستر کارنماها
- ۱۳۷ نوشته‌هایی از دست‌اندرکاران تالار
- ۱۷۳ فهرست انتشارات تالار

«تالار» از آغاز تا پایان

حسن موریزی

بیش از نیم قرن از زمان تأسیس تالار ایران می‌گذرد. این کانون هنری که بعداً تالار قندریز نام گرفت، دست کم به دلیل تجربه بی‌سابقه آن از اهمیتی خاص در تاریخ هنر معاصر ایران برخوردار است. تاکنون مطالبی درباره فعالیت‌های این کانون نوشته شده و نسل هنرمندان و هنرجویان امروز نیز کمابیش با نام آن آشنایی دارند؛ با وجود این، بسیاری از جنبه‌های این تجربه تاریخی ناشناخته مانده است. در این نوشتار بر اساس مدارک موجود و گفته‌هایی از گردانندگان «تالار» کوشیده‌ام تصویری جامع‌تر از آن به دست دهم.

از آغاز جنبش نوگرایی هنری در ایران وجود مکانی برای نمایش آثار این گروه از هنرمندان ضروری می‌نمود. در واقع تأسیس آپادانا (۱۳۲۸)، گالری استتیک (۱۳۳۳)، گالری هنر جدید (۱۳۳۴)، گالری گیل گمش (۱۳۳۸)، و تالار رضا عباسی (۱۳۳۸) از چنین ضرورتی ناشی شد. انجمن‌های فرهنگی برخی از کشورها از جمله آمریکا، فرانسه و هند نیز گه‌گاه با ارائه و معرفی آثار نقاشان ایرانی تا حدی خلاء وجود گالری در تهران را جبران می‌کردند. اما کمبود نمایشگاه — به‌ویژه با افزایش تعداد هنرآموختگان و هنرمندان — همچنان مسئله بود.

نخستین بی‌ینال تهران با حمایت اداره کل هنرهای زیبای کشور برگزار شد (۱۳۳۷). احسان یارشاطر، یکی از اعضای هیئت داوران بی‌ینال در مقدمه کاتالوگ

آن نوشته بود: «در میان هنرها، هنر نقاشی در ایران جان گرفته است و به شکفتن و بالیدن روی نهاده. قریحه‌های جوان و طبع‌های زنده و بیدار در راه این هنر به کار افتاده و هر چند ماه نمونه‌های تازه از آثار هنرمندی که بی‌خبر دیگران طریق خود را جسته و یافته است چشم هنردوستان را روشنی می‌بخشد.» چهل و پنج نقاش و مجسمه‌ساز (اکثریت هنرمندان نوگرا در آن زمان) در این بی‌ینال شرکت داشتند. پس از آن، مرتباً چهار بی‌ینال دیگر هم در تهران برگزار شد که آخرین آنها (۱۳۴۵) آثار هنرمندان ترکیه و پاکستان را نیز دربر می‌گرفت. در واقع، برگزاری بی‌ینال‌ها حاکی از حضور بیشتر و گسترش فعالیت نقاشان نوپرداز و همچنین تأیید جنبش نوگرایی از سوی دولت بود، ضمن آنکه به گسترش کمی و کیفی نقاشی، طراحی و مجسمه‌سازی در سال‌های بعد نیز کمک مؤثری کرد.

از اوایل دهه ۱۳۴۰ به بعد، گالری‌های جدید تأسیس شدند.^۱ فعالیت این گالری‌ها علاوه بر اینکه پاسخی به تقاضاهای روزافزون هنرمندان برای نمایش آثارشان بود، مؤید بهبود شرایط اقتصادی و رونق نسبی خرید و فروش آثار هنری، خصوصاً نقاشی، نیز بود.

شکل‌گیری تالار ایران

اداره کل هنرهای زیبا در مقام متولی امور هنری کشور، هنرمندان شناخته شده را جهت تأسیس «انجمن هنرهای تجسمی» فرا خواند (۱۳۴۲). البته فکر تشکل از سال‌های قبل در میان هنرمندان مطرح شده بود اما تا آن زمان تحقق نیافته بود. در این فراخوان مسئولیت تشکیل انجمن نامبرده صرفاً به خود هنرمندان واگذار شده بود. رویین پاکباز درباره این اقدام دولت می‌گوید:^۲

«... تازه با قندریز آشنا شده بودم و او به من اطلاع داد که قرار است چنین جلسه‌ای تشکیل شود و خواست که من هم بروم. در زمان مقرر رفتم و دیدم که تقریباً همه فعالان در این حوزه در جلسه حضور دارند. بحث‌های مختلفی صورت گرفت و قرار شد از جلسه بعد شروع به نوشتن اساسنامه کنیم.

در جریان تدوین اساسنامه با اعمال نظر ناصر مفخم که نقاش نبود و گویا از جانب اداره هنرهای زیبا در جلسات حضور می‌یافت، مواجه شدیم. علاوه بر این کسانی هم که کارمند هنرهای زیبا بودند، از جمله چنگیز شهوق می‌خواستند ضوابط نظارتی آن اداره را به انجمن تحمیل کنند. بعد از چند جلسه سرانجام قندریز، ممیز و مالک اعتراض کردند و دیگر در جلسات شرکت نکردند. ...»

با بروز اختلاف میان هنرمندان، این تصمیم دولت برای تشکیل انجمن هنرهای تجسمی به سرانجامی نرسید، ولی بحث ابتدایی‌ترین نیاز شرکت‌کنندگان، یعنی داشتن جای مناسبی برای نمایش آثار، باقی می‌ماند و به همین خاطر برخی از افراد شرکت‌کننده در جلسات به تلاش خود برای این منظور ادامه دادند. کامران کاتوزیان، چنگیز شهوق، منصوره حسینی، زهرا خواجه نوری و چند نقاش دیگر به اتفاق ناصر مفخم در «گروه هنرمندان هنرهای پلاستیک تهران» گرد آمدند (۱۳۴۲) و گالری صبا را (واقع در خیابان صبا جنوبی، شماره ۹) تأسیس کردند. گروه نامبرده «همکاری با دستگاه‌های اداری هنری» را در هدف خود گنجانده بود.^۳ جالب آنکه پنج عضو این گروه موفق به دریافت جوایزی در بی‌ینال شدند (۱۳۴۳). کامران کاتوزیان که مجموعه‌ای از نقاشی‌هایش را سال ۱۳۴۴ در همین گالری به تماشا گذاشته بود، در بروشور آن درباره فعالیت گالری صبا این‌گونه توضیح می‌دهد:

«... کوشش نقاشان و مجسمه‌سازان برجسته تهران این گالری را برپا نگه داشت. این کوشش‌های ثمربخش گرچه با آرزوهای بزرگ افراد گروه قابل مقایسه نبود، ولی هیچ‌گاه از هدف دور نیفتاد. اکنون سومین سال گالری صبا آغاز می‌شود و خاطرات شیرین گذشته با همه تلاش‌ها بار دیگر مؤسسین آن را دلشاد می‌سازد. آنها در برابر موانع همچنان به راه خود ادامه دادند. در دو سال گذشته گالری صبا توانست با ابتکارات خود عده بیشتری را با هنر مدرن آشنا سازد و تا حدی جای خالی یک موزه کوچک را، که تهران بزرگ فاقد آن بود پاسخگو باشد. ...»